## جلسه 1

**یک‌شنبه - 31/04/1403**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم ‌اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

# اقوال در مسأله

یکی از مسایلی که خیلی محل ابتلا هست مخصوصا در داروسازی این هست که از الکل در ساخت برخی از داروها استفاده می‌‌شود و همین‌طور در مواد تمیزکننده یا ادکلن‌ها و بحث شده که آیا الکل که زیاد استفاده می‌‌شود از آن در این گونه امور پاک است یا نجس؟ اگر نجس باشد یکی مشکلی است که اجتناب از آن سخت است.

برخی از فقها صریحا فرمودند الکل نجس است. مثلا مرحوم آقای حکیم، ‌سید محسن حکیم در منهاج الصالحین صریحا بیان کردند که یکی از نجاسات مسکر مایع بالاصاله است به جمیع اقسام آن و منه السیبرتو یا مرحوم آسید سعید حکیم نوه ایشان صریحا فتوا می‌‌دهد که الکل و تمام آنچه که در آن الکل بکار رفته از مایعات مثل ادکلن‌ها که الکل دارد، ‌مواد تمیزکننده یا ضدعفونی‌کننده که الکل دارد همه این‌ها نجس است. این را هم در منهاج الصالحین بیان کردند و هم در مصباح المنهاج بحث طهارت وقتی به خمر می‌‌رسند آنجا این را مطرح می‌‌کنند.

برخی از فقها مثل امام و آقای زنجانی واگذار به تشخیص خود مکلف کردند که اگر احراز بکند که الکل مست‌کننده است حکم به نجاستش می‌‌شود. مثلا امام در استفتائات و در توضیح المسائل محشی که آن هم مشتمل بر استفتائات هست جلد 1 صفحه 145 صریحا این را بیان کردند که الکل نجس نیست مگر ثابت شود که مسکر مایع بالاصالة است. در همان توضیح المسائل محشی سؤال کردند که آیا استفاده از الکل سفید برای ضد عفونی کردن دست و لوازم پزشکی جایز است، الکل سفید همان الکل پزشکی است که قابل نوشیدن هم هست. جواب: اگر از الکلی باشد که در اصل مایع نیست، هر چند مست کننده هم باشد محکوم به طهارت است. یک فرضی که واقعی نیست که بگوییم الکل مسکر جامد بالاصالة است. اگر این‌طور باشد، بله، محکوم به طهارت است. بعد فرمودند ولی اگر از الکل مایع بالاصالة و بر حسب تشخیص اهل فن مست‌کننده باشد نجس است.

مرحوم آقای خوئی می‌‌فرمایند الکل مسکر هست ولی مسکر متعارف الشرب نیست یعنی می‌‌شود از الکل استفاده کرد برای مست شدن و لو به این‌که مقداری با او آب مخلوط کنند و لکن چون متعارف نیست شرب آن و لذا دلیل نجاست مسکر شامل او نمی‌شود. مسکر نجس هست اما مسکر یعنی آن مایع مست‌کننده‌ای که متعارف الشرب است، مقصود از ان اصاب ثوبک خمر او نبیذ مسکر فاغسله که در روایات هست و مرحوم آقای خوئی به آن فتوا دادند، فرمودند مقصود از نبیذ مسکر آن مایع مست‌کننده‌ای است که متعارف الشرب است. و لذا از این راه حکم به طهارت الکل کردند.

مرحوم آسید سعید حکیم اشکال کردند که چه اختصاصی دارد نجاست به مسکر متعارف الشرب؟ پس شما اگر این حکم را مختص می‌‌دانید به مسکر متعارف الشرب، نجاست را مختص به آن می‌‌دانید، حرمت شرب را هم مختص به او بدانید، اجرای حد را بر شارب مسکر هم مختص به آن بدانید، چرا نمی‌دانید، چرا در اجرای حد می‌‌گویید شرب مسکر حرام است و لو متعارف الشرب نباشد و کسی که این کار را بکند حد بر او جاری می‌‌شود، می‌‌رسید به بحث نجاست قید می‌‌زنید می‌‌گویید مسکر متعارف الشرب نجس است، این وجهش چیست؟

برخی از فقها تفصیل دادند بین الکل سفید و الکل صنعتی. در کلمات آقای زنجانی هم چه در استفتائات چه در رساله راجع به الکل صنعتی فرمودند اگر ثابت بشود که مست‌کننده است نجس است، راجع به الکل طبی، همان الکل سفید چیزی نفرمودند. نمی‌دانم روشن بوده برایشان ‌که الکل سفید مست‌کننده است. ایشان کلام‌شان واضح نیست. ولی مرحوم آقای صدر در کتاب بحوث فی شرح العروة الوثقی در بحث نجاست خمر وقتی می‌‌رسند به الکل می‌‌گویند به نظر ما اگر ما صرف‌نظر بکنیم از نظر خودمان‌ که فقط خمر نجس است و مسکرهای دیگر نجس نیست، از این صرف‌نظر بکنیم، چون ایشان معتقد است فقط خمر نجس است، ‌فقاع (آب‌جو) هم بنا بر احتیاط واجب نجس است، حالا خمر چیست معمولا می‌‌گویند آن چیزی است که از انگور گرفته می‌‌شود، او خمر است اما الان معمولا می‌‌گویند این مشروب‌های الکلی از انگور گرفته نمی‌شود، ‌مواد شیمیایی می‌‌زنند، ‌همین الکل را به آن می‌‌زنند، ‌حالا ممکن است مختلف باشد برخیش از انگور گرفته شده، آنی که از انگور گرفته شده او خمر است، ولی آن‌هایی که به نحو دیگری تهیه شده و مست‌کننده است به او می‌‌گویند مسکر.

ایشان می‌‌گویند دلیل بر نجاست غیر خمر ما نداریم، دلیل معتبر که معارض نداشته باشد فقط در نجاست خمر پیدا کردیم، در نجاست مسکر ما دلیل معتبر بدون معارض بر نجاست مسکر نداریم. ولی اگر فتوای مشهور را بپذیریم که هر مایع مسکری نجس است، ‌الکل‌های طبی الکل‌های سفید همه‌اش می‌‌شود نجس. الکل صنعتی ایشان می‌‌گوید سم قاتل است. و یک تحقیق علمی می‌‌کند که فرق بین الکل صنعتی که از چوب گرفته می‌‌شود و برای همین ساخت درب و این‌ها و یا روغن و رنگ کردن درب و دیوار و این‌ها گاهی استفاده می‌‌شود که الکل صنعتی هست و اصلش از چوب گرفته شده او اصلا مست‌کننده نیست، کشنده است، ایشان طبق تحقیقاتی که کرده به این نتیجه رسیده که الکل صنعتی مسکر نیست، سم قاتل است و طبعا نجس هم نخواهد بود. اما الکل سفید که همان الکل طبی هست او مست‌کننده است. ممکن است در شرکت‌های داروسازی برای این‌که استفاده نشود از این الکل سفید برای خوردن و مست شدن در او یک مواد افزودنی اضافه کنند که مانع از استفاده مردم بشود، اما این‌که سبب طهارتش نمی‌شود، ‌شما در هر مایع مسکری ممکن است یک مواد افزودنی اضافه کنند نتوانند افراد از او استفاده کنند و عوارض جانبی داشته باشد، او که مهم نیست. و لذا اگر گفتیم هر مایع مسکری نجس است ایشان می‌‌گوید باید فتوا بدهیم الکل سفید الکل طبی نجس است. کسانی مثل امام، آقای زنجانی که نظرشان این است که اگر ثابت بشود الکل مست‌کننده است نجس است، مصداقش را آقای صدر از نظر علمی تحقیق کرده و می‌‌گوید ما الکل سفید را تحقیق کردیم و با داروساز‌ها ارتباط برقرار کردیم و از آن‌ها کسب اطلاع کردیم فهمیدیم که الکل سفید مست‌کننده است و لذا می‌‌شود نجس اما الکل صنعتی ایشان می‌‌گویند ما آن را اصلا مسکر نمی‌دانیم.

در حالی که مرحوم آسید سعید حکیم در مصباح المنهاج بحث خمر در ذیلش فرمودند ما راجع به الکل صنعتی هم از افراد مورد وثوق سؤال کردیم آن‌ها گفتند او هم مست‌کننده است. و لذا آقای آسید سعید حکیم مطلق الکل‌ها را چه الکل طبی چه الکل صنعتی فرمودند که نجس است، ادکلن‌ها که مشتمل بر الکل هست، همه این‌ها می‌‌شود نجس، این موادی که تمیز می‌‌کنند با آن، شیشه‌پاک‌کن‌ها، این‌ها همه‌اش می‌‌شود نجس. و لذا خود ایشان یک بار در کربلا آمدند حرم، یک کسی خادم بود غیر خادم بود یک ادکلن دستش بود روی لباس ایشان ریخت، ایشان گفت چه کردی، برگشت از همانجا، رفت منزل لباسش را عوض کرد برگشت چون معتقد بود همه این‌ها نجس است.

آقای سیستانی مثل آقای صدر هستند، می‌‌گویند فقط خمر نجس است و مسکرات بنا بر احتیاط مستحب نجس هستند. ایشان کار را راحت کرده، ‌یعنی حتی الکل طبی که مسکر است به نظر عده‌ای یا آن الکل صنعتی که مسکر هست حالا به ادعای مرحوم آقای آسید سعید حکیم، ‌مشکلش حل است دیگر، شبیه آقای صدر که می‌‌گفت فقط خمر نجس است.

# بیان مراحل بحث

پس این بحث بحثی است که مبتنی می‌‌شود بر این‌که ما اولا: خمر را نجس بدانیم. ثانیا: از نجاست خمر به نجاست هر مایع مسکری تعدی کنیم. ثالثا: در نجاست مایع مسکر هم فرقی بین آنی که متعارف الشرب است یا متعارف الشرب نیست نگذاریم. بعد می‌‌رسیم به مرحله مصداق‌شناسی، الکل سفید یقینا مایع مسکر است و لو متعارف الشرب نیست، ‌پس او یقینا نجس می‌‌شود، الکل صنعتی هم باید بررسی بشود، ‌یک اختلافی بود بین بین آقای صدر که می‌‌گفت ما تحقیق کردیم الکل صنعتی که از چوب گرفته می‌‌شود او سم قاتل است، ‌مست‌کننده نیست، اختلافی بود بین ایشان و بین آقای آسید سعید حکیم که ایشان می‌‌گوید ما از افراد مورد وثوق سؤال کردیم این‌ها به ما گفتند الکل صنعتی هم مست‌کننده است. این را در مرحله موضوع‌شناسی باید بررسی کنیم.

و لذا ما ابتدا باید یک بحث فقهی بکنیم ببینیم اولا خمر نجس است یا پاک؟ چون اگر خمر پاک باشد که دیگر سایر مسکرات به طریق اولی پاک هستند. بعد مرحله دوم که باز بحث فقهی است ببینیم سایر مسکرات که بسیاری از این مشروب‌های الکی که الان هست مصداق خمر نیست، اگر هم اسم خمر را روی آن می‌‌گذارند در آن تسامح است چون از انگور گرفته نشده، ‌هر چیزی که قند دارد می‌‌شود تبدیل بشود به الکل، از چغندر شما می‌‌توانید الکل تهیه کنید، او دیگر خمر نیست، از سیب، دیگر بدآموزی نداشته باشد صحبت‌های ما!! می‌‌شود مشروب الکلی تهیه کرد و موادی که اصلا ممکن است از میوه‌ها نباشد مثل بقیه نوشابه‌های غیر الکلی که خیلی هایش از میوه‌ها نیست، اسانس می‌‌زنند به آن‌ها، آن هم همین‌طور است.

[سؤال: ... جواب:] قدرمتیقن از خمر آنی است که متخذ از عنب است.

بحث فقهی در مرحله دوم این است که ببینیم آیا سایر مسکرات بعد از این‌که ثابت شد خمر نجس است در مرحله اول، سایر مسکرات مثل خمر هم نجس هستند یا نه، که این باز دو بخش دارد: یکی اصلا به قول صاحب حدائق می‌‌گوید خمر یعنی مطلق مسکر، خمر آن معنای لغویش متخذ از عنب است، ‌در اصطلاح کتاب و سنت خمر یعنی مطلق مسکر، ‌کل مسکر خمر، ‌اصلا خمر یعنی مطلق مسکر، یا این را بگوییم، یا بگوییم بر فرض خمر مطلق مسکر نیست ولی در روایات نجاست برای مطلق مسکرات مایع ثابت شده، ان اصاب ثوبک خمر او مسکر فاغسله. این هم مرحله دوم از بحث است. مرحله سوم هم این است که ببینیم حالا که مسکر مایع بالاصالة نجس است، ادعای آقای خوئی درست است که خصوص آنی که متعارف الشرب است نجس است و الکل متعارف الشرب نیست و لذا نجس نیست یا نه، این ادعا ناتمام است. این سه مرحله از بحث فقهی می‌‌شود. مرحله چهارم هم بحث موضوع‌شناسی است که ببینیم راجع به الکل طبی الکل صنعتی این‌ها ادعایی که می‌‌کنند الکل طبی مایع مست‌کننده است، این ادعا که ظاهرا مورد خیلی از کارشناس‌ها هست بررسی بکنیم آیا این ادعا قابل مناقشه نیست؟ و راجع به الکل صنعتی طبعا بحث بحث جدی‌تری خواهد بود چون بین خود کارشناس‌ها اختلاف شد، بین بزرگانی که اعتماد کردند به کارشناس‌ها اختلاف شد.

# ادله نجاست خمر

اما مرحله اول این است که اصل خمر ببینیم نجس است یا نه، ‌فقط شربش حرام است؟

## استدلال به اجماع و مناقشات در آن

ادعای اجماع شده بر این‌که خمر نجس است. اصل این اجماع هم در کلام ابن‌زهره است. ابن‌زهره در کتاب غنیه النزوع ادعای اجماع کرده بین فقها بر نجاست خمر. بعد از ایشان هم دیگران این ادعای اجماع را تکرار کردند.

ولی به قول آقای صدر این اجماع منقول است و محصل نیست چون ما مخالف هم می‌‌بینیم وجود دارد. در بین قدما نسبت می‌‌دهند به ابن‌ابی عقیل که ایشان معتقد بود خمر نجس نیست و همین‌طور نسبت داده می‌‌شود به صدوق در کتاب المقنع و کتاب من لایحضره الفقیه، در کتاب مقنع صریحا تعبیر این است که اگر لباس ملوث شد به خمر نماز در آن جایز است، فان الله حرم شربها و لم یحرم الصلاة فیها، این مأخوذ از روایات است، برخی از روایات که دلالت می‌‌کند بر طهارت خمر مفادش همین است، ‌مثل روایت حسن بن ابی صالح یا حسین بن ابی صالح: قلت لابی عبدالله علیه السلام ان اصاب ثوبی شیء من الخمر اصلی فیه قبل ان اغسل قال لا بأس ان الثوب لا یسکر یا در روایت مرسله یونس قریب به این مضمون هست که ان الله حرم شربها و لم یحرم الصلاة فیها. پس ابن‌ابی عقیل قائل به طهارت خمر است، صدوق در مقنع و من لا یحضره الفقیه مفاد کلامش طهارت خمر است، مرحوم مقدس اردبیلی صریحا در کتاب مجمع الفائدة و البرهان قائل به طهارت خمر است. حالا ممکن است شما بگویید مقدس اردبیلی جزء قدما نیست مخالفتش ضرر به اجماع نمی‌زند، ولی بین قدما هم پیدا شدند، مثل صدوق اگر قائل به طهارت خمر باشد یا ابن‌ابی عقیل یا جعفی که او هم یکی از فقهای متقدمین بوده قائل به طهارت خمر باشند این ضرر می‌‌زند به آن اجماعی که می‌‌خواهد کشف حدسی بکند از رای معصوم علیه السلام.
بعد صاحب مدارک توقف کرده در حکم نجاست خمر، مرحوم محقق سبزواری صاحب کتاب کفایة الاحکام ایشان توقف کرده در حکم به نجاست خمر، در معاصرین مرحوم حاج آقا مرتضی حائری در کتاب شرح العروة الوثقی می‌‌گویند مقتضای صناعت حکم به طهارت خمر است چون روایات معارض هستند، برخی از راویات می‌‌گویند لا تصل فی ثوب اصابه خمر حتی تغسله، بعض روایات که اشاره به آن کردیم می‌‌گوید لا بأس ان تصلی فی ثوب اصابه خمر ان الثوب لا یسکر یا ان الله حرم شرب‌ها و لم یحرم الصلاة فیها، تعارض می‌‌کنند و هیچ مرجحی هم در بین نیست طبق توضیحی که بعدا مطرح می‌‌شود، ‌نوبت می‌‌رسد به اصالة ‌الطهارة . بعد مرحوم حاج آقا مرتضی حائری فرمودند البته این نظر فقهی ما هست، احتیاط بحث دیگری است، احتیاط می‌‌کنیم اما از نظر فقهی مقتضای صناعت این است که بگوییم خمر طاهر است.

پس اجماع محصلی در مقام نیست. بله سید مرتضی که شاید ابن‌زهره از کلام او اخذ کرده ادعای اجماع را، ادعای اجماع می‌‌کند در ناصریات، شیخ طوسی هم ادعای اجماع می‌‌کند در مبسوط، ولی این اجماع‌هایی که سید مرتضی ادعا می‌‌کند که حکمش روشن است، مرحوم صاحب شرایع در یک کتابی نقل می‌‌کند از سید مرتضی می‌‌گوید سید مرتضی ادعا کرد اجماع را بر این‌که با آب مضاف می‌‌شود ثوب متنجس را شست و تطهیر کرد، ادعای اجماع می‌‌کند، ‌در یک کتابی به نام مصباح از سید مرتضی نقل شده که سید مرتضی در آن کتاب از او سؤال کردند: آخه چه اجماعی در مسأله است شما ادعای اجماع می‌‌کنید؟ ایشان گفته ما اجماع داریم بر اصل برائت، من هم خودم تشخیص دادم که این مورد، مورد اصل برائت است. با این‌که مورد، مورد اصل برائت نیست، استصحاب بقای نجاست هست در ثوبی که متنجس است و با آب مضاف شسته می‌‌شود، هم استصحاب نجاست هست هم اطلاقات ادله اقتضای نجاست می‌‌کند. اغسله که در روایات داریم ظاهرش اغسله بالماء است، در بعضی از روایات تصریح می‌‌کند:‌ لایجزیه الا الغسل بالماء، مقتضای اطلاقات این است که این نجس است، ‌تا با آب شسته نشود پاک نمی‌شود. اطلاقات اقتضا می‌‌کند که غسل به ماء مضاف مطهر نیست، ‌فقط غسل به آب مطهر است، استصحاب هم بنا بر جریان در شبهات حکمیه اقتضا می‌‌کند بقای نجاست این ثوب را بعد از غسل به ماء مضاف، نوبت به اصل برائت نمی‌رسد. اصل برائت در تکالیف هست، اگر هم می‌‌خواستید اصل جاری کنید باید اصالة ‌الطهارة جاری می‌‌کردید نه اصالة البراءة، تکلیف نیست که، حکم وضعی است، ‌حکم تکلیفی که نیست وجوب غسل به ماء مطلق، این وجوب وضعی است یعنی لا یطهر الثوب المتنجس الا بالغسل بالماء المطلق، این حکم وضعی است، ‌این‌که جای برائت نیست، ولی ایشان گفتند اجماع داریم بر کبرای اصل برائت من هم تشخیص دادم این مورد اصل برائت است ادعای اجماع کردم.

شیخ طوسی هم که در کتاب مبسوط ادعای عدم خلاف می‌‌کند در نجاست خمر، باید این را هم حمل کرد بر تسامح و الا با وجود مخالفت ابن‌ابی عقیل که خود علامه در مختلف نقل می‌‌کند، و قال ابو علی ابن‌ابی عقیل من اصاب ثوبه او جسده خمر او مسکر لم یکن علیه غسلهما لان الله انما حرمهما تعبدا لا لانهما نجسان. یا شهید در ذکری نقل می‌‌کند‌‌، صدوق، جعفی، قائل به طهارت خمر بودند، این نشان می‌‌دهد که آن نفی خلافی که در کلام شیخ طوسی در مبسوط است او هم مبتنی بر یک تسامح است چون حالا شیخ طوسی که قائل به اجماع دخولی هم هست مثل سید مرتضی، از آن طرف قائل به اجماع لطفی هم هست و اگر در یک زمان اتفاق بشود بر یک حکمی بین فقها از باب قاعده لطف کشف رای معصوم می‌‌کند، می‌‌گوید ضرر ندارد مخالفت آن‌هایی که عصرشان منقرض شده، بر این اساس ادعای اجماع می‌‌کند، خیلی روی این ادعاها نمی‌شود حساب کرد. و علاوه بر این‌که حالا این اجماع‌ها با توجه به اختلاف روایات کاشف از رای معصوم نیست، اجتهادی کردند در جمع بین روایات، گاهی تعبیر می‌‌کنند می‌‌گویند ترجیح با روایات نجاست خمر است چون موافق با احتیاط است، این در کلام شیخ طوسی هست. موافقت با احتیاط مگر می‌‌شود از مرجحات باب تعارض؟

یا مثلا تعبیر می‌‌شود که روایات نجاست خمر موافق قرآن است چون قرآن می‌‌گوید فانه رجس. خب فانه رجس دلیل بر نجاست خمر نیست، مگر هر رجسی فاجتنبوا الرجس من الاوثان، بت‌ها نجس بودند؟ نجس فقهی نبودند که، کسی دست می‌‌زد به بت‌ها، دستش نجس می‌‌شد؟ رجس به معنای پلید است، خمر پلید است اما اگر به لباس خورد باید لباس را آب کشید؟ به دست انسان خورد دست را باید آب کشید؟ این‌ها که از فانه رجس استفاده نمی‌شود. و لذا نمی‌شود بگوییم نجاست خمر موافق کتاب است.

اما این‌که بیاییم بگوییم نجاست خمر مخالف عامه است، به این خاطر ترجیح می‌‌دهیم، شاید برخی این‌جور گفته باشند اما این هم درست نیست. برای این‌که عامه نوعا قائل به نجاست خمر هستند. فقط گفتند ربیعة الرای که یکی از فقهای عامه بوده قائل به طهارت خمر بوده اما مشهور بین عامه نجاست خمر است. پس نمی‌شود بگوییم روایات طهارت خمر موافق عامه است و روایات نجاست خمر مخالف عامه هستند، نخیر، اتفاقا از نظر فتوایی روایات نجاست خمر موافق عامه است، ‌روایات طهارت خمر مخالف مشهور عامه است.

مرحوم آقای خوئی دیده این‌جوری است، ‌گفته که شما به فقهای عامه نگاه نکنید، ‌به سلاطین و حکام عامه نگاه کنید که شارب خمر بودند، آن‌ها خوش‌شان می‌‌آمد اگر بگوییم خمر پاک است. و لذا روایات طهارت خمر می‌‌شود موافق با عامه به این معنا که حکام عامه که مشروب می‌‌خوردند شارب الخمر بودند، از حکم به طهارت خمر خوش‌شان می‌‌آمد.

خدا رحمت کند مرحوم آقای صدر را می‌‌گوید اگر آقای خوئی این حرف را نزده بود هر کی می‌‌گفت ما با او برخورد می‌‌کردیم، ‌آخه این هم شد حرف؟ خلفای عامه مخفیانه بدون این‌که کسی خبردار بشود خمر می‌‌خوردند اما خودشان قضات‌شان شارب الخمر را حد می‌‌زدند. بعد هم آن‌ها خمر می‌‌خوردند چه ربطی دارد به طهارت خمر؟ وقتی فتوای جل فقهای عامه نجاست خمر است شما بعد می‌‌آیی می‌‌گویی که روایات طهارت خمر موافق با مذاق خلفای عامه است؟ این شد توجیه این‌که روایات طهارت خمر موافق عامه است؟ کجا موافق عامه است؟

این بحث‌ها باید مفصل‌تر مطرح بشود، خواستم اشاره کنم که این اجماع‌ها غیر از این‌که ثابت نیست، مدرکی هم هست. روایات نجاست خمر را گفتند موافق کتاب است، گفتند مخالف عامه است، ‌موافق احتیاط است و توجیه‌های دیگر. پس اجماع در این مسأله هیچ کارساز نیست، اگر هم ثابت بشود کارساز نیست.

و لذا اولین مرحله از بحث فقهی که انشاءالله فردا دنبال می‌‌کنیم، امروز دیر آمدند دنبال ما، دیر شد، انشاءالله فردا حدود 10 شروع می‌‌کنیم، مرحله اول بحث این است که ببینیم آیا روایات نجاست خمر که در مقابلش روایاتی هست بر طهارت خمر که انشاءالله مفصل‌تر خواهیم بیان کرد این‌ها تعارض‌شان مستقر است که بعد رجوع کنیم به اصل طهارت در خمر یا نه، راه برای ترجیح روایات نجاست خمر هست، آن راه‌ها را بررسی کنیم. بعد از این‌که ثابت بشود خمر نجس است آن وقت برویم سراغ مرحله دوم که حکم سایر مسکرات چیست و از آنجا برویم سراغ حکم نجاست یا طهارت الکل.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.